



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

چند نکته و فرع دیگری که در باب قمار باقی مانده است عرض کنیم و به فضل الهی اگر بشود بحث قمار را به پایان ببریم.

بررسی ادله مس آلات قمار

در باب قمار در روایت سرائر و یک روایت دیگر که هر دو ضعیفه هستند. احکام دیگری مثل دست زدن به ابزار و ادوات قمار هم آمده و نهی شده از اینکه به ابزار رو ادوات قمار دست بزنند و گاهی حتی موجب تنجیس می شود و باید دست را شست.

حرمت مس ابزار و ادوات و منجسیت هم در یکی دو روایت آمده که قطعاً نمی شود هیچ کدام را پذیرفت و به صورت تحریمی بگوییم دست زدن به ابزار و ادوات قمار حرام است یا این که موجب تنجیس شود. این دو حکم گرچه در یکی دو روایت در باب ۱۰۴ آمده است.

قرائن عدم حرمت مس

این دو حکم مطمئناً قابل قبول نیست به این دلیل که:

اولاً: دو سه روایت، روایات ضعیفه ای هستند و از طرف دیگر به خصوص در تنجیس، ارتکاز متشرعه مانع از این است که این ها را بپذیریم، یعنی ارتکاز واضحی به خصوص در حکم وضعی وجود دارد که منجسیت این ها باشد، این ارتکاز واضح و قوی مانع از پذیرش این حکم می شود و نمی تواند در ذهن متشرعه پذیرفته شود که آلات قمار مثلاً مثل دم یا کلب یا خنزیر است. این روایات اولاً: ضعیف است؛

ثانیاً: ارتکاز قوی بر نفی این حکم ها وجود دارد و شاهد هم این است که هیچ فتوایی مطابق این ها از ابتدا تا امروز وجود نداشته است. این ها نشان می دهد که این دو سه وجه مانع می شود از این که ما بتوانیم به این دو حکم قائل شویم و لذا این دو حکم احکام ضعیفه است نمی شود پذیرفت.

سؤال: ؟

جواب: اگر یک موضوعی باشد این طوری روایت هم داشته باشد مورد توجه هم باشد ولی هیچ کس فتوی نداده باشد. اگر این بحث هم نبود، یک چیزی فراتر از این است، یعنی ارتکاز قوی تری وجود دارد که به ذهن کسی نمی آید که این منجس باشد نه اینکه می گوییم شهرت نیست، به آن فتوی ندادند.



پس نمی‌شود به این قائل شد بلکه خلاف این در ارتکاز متشرعه است و لذا فراتر از بحث شهرت و این‌ها است. این هم موضوع دیگری که بد نبود به آن اشاره‌ای بکنیم.

بررسی ادله حضور در مجلس قمار

موضوع دیگری که خوب است بحث کنیم، این است که؛ این‌که گفتیم حضور در مجلس قمار اشکال دارد، هم قاعده کلیه داریم که حضور در مجلس معصیت مشکل دارد و حرام است و به‌طور خاص در قمار دلیل ویژه‌ای هم وارد شده بود که حضور در مجلس قمار را تحریم می‌کرد، گفتیم باید مجلس واحد عرفی باشد.

حضور در مجلس قمار (به صورت مجازی)

سؤال دیگر حضور در مجلس قمار از طریق ابزار و ادوات آی تی و ویدیو کنفرانس و امثال این‌ها است؛ به نظر می‌آید صرف این‌که از طریق ابزار و ادوات جدید و رسانه‌های جدید کسی مطلع شود یا تماشا کند، این مشمول مجلس قمار نیست اما در شرایطی جای شبهه هست و آنجایی است که به صورت ویدیو کنفرانس باشد که درواقع آن‌ها بازی می‌کنند و کسی به شکل مجازی ناظر و مطلع است و به‌رغم مسافت مثلاً هزاران کیلومتر گویا در این مجلس است و با اهل مجلس تعاطی می‌کند و تفهیم و فهم و تخاطب انجام می‌شود، مثل مصاحبه‌هایی که به صورت ویدیو کنفرانس انجام می‌شود.

سؤال: پخش مستقیم چگونه؟

جواب: پخش مستقیم و غیرمستقیم نه بالاتر از آن است ولی چه در پخش مستقیم چه غیرمستقیم یک‌وقتی هست که تماشا می‌کند ولی از این طرف تفهیم و تفهم و رابطه متقابل نیست؛ یک وقتی به صورت ویدیو کنفرانس، رابطه متقابل است مستقیم و غیرمستقیم شاید فرقی در این بحث نکند، اما اگر تفهیم و تفهم و در حقیقت رابطه متقابل بین تماشاچی و آن‌هایی که بازی می‌کنند باشد، لا یبعد که گفته شود مجلس واحد است، برای این‌که ملاک آن مجلس این است که همه در کنار هم نشسته‌اند و گفتگو می‌کنند و تعاطی دارند و به شکل ویدیو کنفرانسی، حداقل جای احتیاط هست؛ بعید نیست صدق مجلس واحد کند، البته اگر کسی تردید کند، اصل برائت است و عدم اشکال است ولی لایبعد که قائل به این شویم که صدق مجلس واحد و حضور در مجلس قمار می‌کند.

فعلاً بحث ما حضور در مجلس است «مَا لَكَ وَلِمَجْلِسٍ لَّا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْ أَهْلِهِ»^۱ می‌خواهیم ببینیم این صادق است

یا نه؟

^۱ - وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص: ۳۲۲.



یعنی چرا حضور پیدا کردید در مجلسی که «لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيَّ أَهْلِهِ» این بعید نیست صدق کند به خصوص این که حضور در مجلس در متن روایت نیامده است؛ می گوید: «مَا لَكَ وَلِمَجْلِسٍ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيَّ أَهْلِهِ» چون واژه حضور در اینجا ندارد لا یبعد که شامل این نوع تعاطی با یک مجلس این شکلی بشود.

حضور در مجلس که می گوییم یعنی جلوس و مجالست و اینکه هر دو باشند، ولی به نظر می رسد روح آن قصه، اینجا هم هست؛ الغاء خصوصیت بحث بعدی است، ارتکاز عرفی طوری است که مفهوم را صادق می داند، اگر هم از استدلال شمول ظاهر دلیل هم بگذریم، لا یبعد که در این نوع موارد الغاء خصوصیت را بپذیریم که ولو عرف می گوید این عنوان «مَا لَكَ وَلِمَجْلِسٍ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيَّ أَهْلِهِ» کسی بگوید شامل این نوع حضور به صورت ویدیو کنفرانسی نمی شود، جمود بر لفظ کنیم و بگوییم شامل این نمی شود.

وجه دوم این است که بگوییم ولو اینکه لفظ شامل این نمی شود ولی ملاک آن از نظر عرف اینجا فرقی ندارد. این هم وجهی است که می شود گفت بعید نیست این نوع موارد اشکال داشته باشد.

بررسی ادله تماشاگری قمار (از فاصله دور)

مطلب دیگر در ذیل بحث قمار تماشاگری است که آیا تماشا کردن بدون این که مجالست و حضور در مجلس باشد، حالت ویدیو کنفرانسی ندارد یا اینکه از یک فاصله دوری از پنجره خانه آن را نگاه می کند که در آن مجلس نیست و مجالست و مشارکت ندارد، ولی از دور تماشا می کند یا اینکه از طریق رسانه مستقیم یا غیرمستقیم تماشا می کند مخصوصاً جایی که مستقیم باشد حکم واضح تر است؛ این تماشاگری که در باشگاه قمار نرفته است و به شکل ویدیو کنفرانسی نیست که به نوعی حضور هم باشد، بلکه از طریق رسانه و از مسافت بعیده و به ویژه جایی که مستقیم باشد، چه حکمی دارد؟

پاسخ این است که اگر ما استقلال و موضوعیتی برای «النظر إليها» - که در دو سه روایت بود - قائل باشیم آن وقت این ها را می گیرد چون به آلات شطرنج نظر می کند؛ اگر این را بپذیریم مسئله تمام می شود.

این وجهی که در اینجا وجه دوم است تمام نیست و اشکالی ندارد برای این که واژه و مفهوم نظر در یکی دو روایت آمده بود و در روایات معتبری آمده که یک روایت باشد، امام آن عنوان را نمی پذیرد می گوید: «النظر إليها» امام می فرماید: «مَا لَكَ وَلِمَجْلِسٍ» یعنی امام موضوع را همان حضور در مجلس می گذارند و لذا «النظر إليها» را امام در روایت اول باب ۱۰۴ در مقام پاسخ، موضوع حرمت قرار نمی دهد و به رغم این که سائل می گوید که «لَسْتُ أَلْعَبُ بِهَا وَ لَكِنْ أَنْظُرُ إِلَيْهَا»^۲ امام می فرماید: «مَا لَكَ وَلِمَجْلِسٍ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيَّ أَهْلِهِ» که موضوع، «لِمَجْلِسٍ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيَّ

^۲ - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج-۶، ص: ۶۲.



أَهْلُهُ» شده البته در مجلس باید طوری باشد که آن هم مطلع باش و ببیند و مرتبط باشد که یک اندازه نظر در آنجا جزئیت موضوع دارد اما در روایات معتبر نظر به عنوان تمام موضوع پذیرفته نشده است.

بررسی سندی ادله

چند روایت دیگری که یکی دو تا در متن باب ۱۰۴ وسایل بود، یکی دو روایت هم در مستدرک در ذیل آن بود؛ اما آن روایات معتبر نبود دو روایتی که به طور مستقل نظر دارد، معتبر نیست و لذا نمی شود گفت صرف تماشاگری اشکال دارد.

نگاه به خود آلات در غیر حالت بازی

از همین جا یک فرع دیگری معلوم شد و آن اینکه نگاه به خود ادوات و آلات در غیر حالت بازی در غیر حال بازی که همین طور نگاه کند، بعضی روایات اطلاق دارد و این را هم می گیرد؛ می گوید «النظر إلیها» یعنی یک احتمال این است که «الی الشطرنج» یعنی ادوات، ممکن است کسی بگوید اطلاق این ها این را هم می گیرد جواب این فرع این است که اولاً: روایاتی که «الناظر إلیها یا النظر إلیه» آمده، معتبر نیست و ثانیاً: بعید نیست که اگر هم معتبر بود، انصراف به جایی دارد که در حال بازی است ولی وقتی با آن بازی نمی شود و به عنوان وسیله گذاشته شده، بعید است که آن را بگیرد، ولی مهم این است که دلیل معتبر نیست این هم فرع دیگر یک در اینجا وجود دارد.

سؤال: ؟

جواب: فقط در همه این فرض جایی که شبهه ای داشت یا اطلاق آن را می گرفت یا به تنقیح مناط بعید نبود قائل به حرمت شویم، جایی است که این شخص از راه دور گویا با ابزار و ادواتی در مجلس است، چطور در مجلس که باشند او می گوید، او می شنود، علاوه بر اینکه تماشاگری می کند یک نوع حضور در مجلس باید باشد؛ ملاک حضور در مجلس این است که غالبیت مخاطب وجود دارد و می شود بین این ها ارتباط برقرار بشود؛ این غالبیت ارتباط بین گناه کاران و قماربازان از طریق ویدیو کنفرانس انجام می شود. ما جایی را می گوئیم که طرفینی است ما در اتاقی نشستیم و نماینده ما در فلان کشور در جلسه حضور دارد؛ ما حرف می زنیم او می شنود و مشارکت می کند، می گوید نظر من این است، این صورت را می گوئیم و الا غیر از این از راه دور مستقیم یا غیرمستقیم ببیند یا مستقیم می بیند ولی طرفینی رابطه برقرار نمی شود، آن را اطلاق نمی گیرد و نمی شود تنقیح مناط هم قائل شد.

در باب قمار قاعده کلیه داریم در باب قمار هم به طور خاص دلیل داریم که حضور در مجلس معصیت اشکال دارد؛ منتهی می گوئیم بعید نیست حضور در مجلس معصیت یک مورد از مواردی که شخص از راه دور ناظر بر آن هست را بگیرد. جایی که حالت ویدیو کنفرانس است یعنی ارتباط متقابل وجود دارد، اما اگر از راه دور و مستقیم یا غیرمستقیم



فقط می‌بینید یا حتی اگر مرتبط است ولی این ارتباط یک‌طرفه است که از طریق ارتباط مستقیم است، نمی‌توانیم این را الغاء خصوصیت کنیم. شأنیت مخاطب که باشد عرف می‌گوید این‌ها در یک مجلس هستند.

سؤال: ؟

جواب: ارتکازات است وقتی می‌گوید حضور در مجلس گناه ما می‌گوییم عرف می‌گوید که اگر قابلیت تشویق و ارتباط و تواصل باشد، می‌گویند هست؛ یک وقتی فیزیکی نیست ولی واقعاً اینجا هست و گفت‌وگو می‌کند، بعید نیست که اطلاق بگیرد، اگر هم نگیرد الغاء خصوصیت این بعید نیست یعنی روح «مَا لَكَ وَلِلمَجْلِسِ» این است که بتواند تعامل برقرار کند، تواصل و تعامل که بود عرف می‌گوید آنجا هست. جایی که از راه دور و به صورت غیرمستقیم یا مستقیم می‌بیند، اتصال مستقیم یک طرفه هست؛ این‌ها را نمی‌گوییم حتی اگر یک طرفه هم باشد نمی‌توانیم خیلی مطمئن باشیم، اولاً: اگر ارتباط متقابل است می‌بیند و می‌شنود، شأنیت آن را دارد؛ لازم نیست بالفعل هم بشود می‌گوید بعید نیست حضور در مجلس این را بگیرد؛ ثانیاً: از این بگذریم می‌گوییم اینجا حضور در مجلس، دارد «مَا لَكَ وَلِلمَجْلِسِ» این یک اطلاق بیشتری دارد؛ ثالثاً: هیچ‌کدام این‌ها را نگوئیم از میان تماشاگری‌های از راه دور و با ابزار و ادوات جدید، قسمی که تواصل دارد و شأنیت تعامل را دارد می‌شود تنقیح مناط کرد و گفت حکم آنجا را می‌گیرد؛ البته این در همه جاهایی است که موضوع حضور در مجلس معصیت داریم.

از بین این فروض، حضور در مجلس معصیت، یک فرض می‌گوییم:

- اولاً: اطلاق دلیل آن را می‌گیرد؛

- ثانیاً: اطلاق هم نگیرد الغاء خصوصیت بعید نیست.

سؤال: ؟

جواب: تشویق را بعد صحبت می‌کنیم و عنوان دیگر می‌شود.

ما نمی‌توانیم مطمئن به الغاء خصوصیت در آن حد شویم ولی حالت ویدیو کنفرانسی باشد، چرا. این هم یک فرع من شماره این‌ها را نگفتم حدود ۲۰ فرع می‌شود. این‌ها دیگر فروع ریزی است که ان شاء الله تمام کنیم.

تشویق و ترغیب به قمار

تشویق و ترغیب به قمار بحث دیگری است که اجمالاً به آن پاسخ می‌دهیم چون این هم مثل حضور در مجلس و مجالست از قواعد کلیه‌ای است که در همه گناهان مطرح است و باید در جای خود بحث شود.

راهنمایی و تشویق و ترغیب را در قاعده تسبیب بحث کردیم. - که الان هم آماده شده امیدواریم امسال بتوانیم چاپ کنیم - قاعده تسبیب را به صورت بسیار مفصل و مبسوط بحث کرده‌ایم و یکی از انواع و اقسام تسبیب را ترغیب و



تشویق و امثال این‌ها می‌دانستیم و یکی از وجوهی که در آنجا گفته شده این است که بنا بر اینکه ما قاعده اعانه بر اثم را بپذیریم که برخلاف مرحوم آقای خویی و تبریزی این قاعده را بپذیرفتیم به‌طور قطع ترغیب و تشویق، کف زدن، صوت زدن، همراهی کردن و یا بالاتر از این، راهنمایی کردن، یک فرد فنی مربی قهاری راهنمایی می‌کند که این کار را بکن تا بیری؛ آن هم از آن طرف راهنمایی می‌کند؛ به نظر می‌آید که مربی راهنما و حتی جایی که ترغیب و تشویق می‌کنند، همه مصداق قاعده تسبیب و قاعده اعانه بر اثم است و اگر کسی کلیت این قاعده را بپذیرد، این‌ها شبهه حرمت دارند، مگر اینکه کسی این قاعده را نپذیرد؛ اگر هم کسی این قاعده را نپذیرد ممکن است کسی بگوید که ترویج ضلال است؛ یعنی غیر از عنوان اعانه بر اثم عناوینی از قبیل اشاعه فحشا و ترویج ضلال است و از این باب اشکال پیدا می‌کند.

جمع‌بندی

بنابراین:

- وجه اول اینکه ترغیب و تشویق یا از باب قاعده اعانه بر اثم مصداق حرمت است؛
- وجه دوم اینکه از باب اشاعه فحشا و ترویج ضلال است. وجه اول محل اختلاف است، ولی در باب وجه دوم اختلاف چندانی نیست.

رضای به معصیت هم بحث کردیم که آن هم معصیت است.

ممکن است ترغیب و تشویق به شکلی باشد مثلاً اینترنت که معلوم می‌شود چه کسانی متصل هستند و این را می‌بینند؛ یعنی همین که مکشوف می‌شود مثلاً یک میلیون بیننده دارد این یعنی تشویق و ترغیب معصیت و ترویج ضلال، این غیر از بحث حضور در مجلس است تعاطی و رابطه طرفینی هم نیست بلکه یک طرفه هست، ولی از یک راهی معلوم است که چقدر تماشاچی دارد که گفتیم فی حد نفسه اشکال ندارد و روایات آن تام نبود، نظر و تماشاگری بدون اینکه حضور در مجلس باشد اشکال ندارد، ولی اگر مصداق ترغیب و تشویق شد آن وقت یک عنوان دیگر پیدا می‌کند. در اعانه بر اثم شرط فعلیت، یک شرط تنجز قائل بودیم که علم بود و یکی هم تحقق معصیت بود والا اگر همه این کارها را انجام دهد و معصیت شود اشکالی ندارد، مگر اینکه کسی تجری را حرام بداند.

سؤال: ؟

جواب: مطلع در هیچ روایت معتبری نبود مطلع یعنی مشرف و ناظر و تماشاچی در راهنما و مربی غیر از این عناوین یک عنوان دیگر دادیم: «الدال علی الخیر والدال علی الشر» در روایات معتبر داریم که کسی که دال بر خوبی



باشد ثواب دارد و دال بر سیئه و معصیت گناه دارد؛ در دلالت و راهنمایی به معصیت ادله‌ای داریم که در بحث‌های فقه التریبه و این‌ها ادله آن را ملاحظه کردید.

جمع‌بندی کلی بحث قمار

حدود ۲۰ فرع می‌شود نکته دیگری که یادآوری می‌کنیم این است که ما قائل شدیم که آنچه حرام است بازی‌ای است که بین طرفین بردوباخت باشد که دو طرف یا سه طرف چهار طرف ۵ طرف، هیچ فرقی نمی‌کند. گفتیم که قمار متقوم به طرفین و اکثر است و بردوباخت بیاید بین آن‌ها باشد تا حرام بشود.

سؤالی که اینجا وجود دارد این است که اگر بین این‌ها بردوباختی نیست و از بیرون کسی برای برنده جایزه می‌گذارد؛ بنا بر نظری که بردوباخت بین این‌ها هست و کسی هم از بیرون جایزه می‌دهد، تشویق به معصیت می‌شود و عناوینی که گفتیم اشکال دارد؛ یا اگر کسی گفت بدون بردوباخت با ابزار و ادوات اشکال دارد باز جایزه‌ای که کسی می‌گذارد، جایزه بر حرام است و اشکال دارد؛

اما اگر بردوباخت نبود و با ابزار و ادوات قمار نبود؛ یا اگر با ابزار و ادوات هم بود روی نظری بود که می‌گفت صرف بازی با ابزار و ادوات اشکال ندارد. اینجا کسی جایزه بگذارد که عده‌ای با غیر ابزار و ادوات قماربازی کنند و بگویند هر کس برد جایزه می‌دهم، اشکال ندارد. یا اینکه با ابزار و ادوات بود و بردوباخت بین آن‌ها نبود و مبنای ما این بود که اشکال ندارد، آن وقت جایزه گذاشتن از بیرون مانعی ندارد؛ اما در جایی که بردوباختی بین آن‌ها هست، قمار حرام می‌شود و از بیرون کسی جایزه‌ای بگذارد اعانه بر اثم است و عناوینی که می‌گفتیم.

سؤال: ؟

جواب: اگر همین برمی‌گردد اشکال پیدا می‌کند اگر این بر نمی‌گردد کسی جدای از این و غیر از این می‌دهد اشکال ندارد این فقط در غیر آلات است اما در آلات مطلقاً می‌گوید اشکال دارد.

بحث قمار تمام شد شش مبحث اینجا بود و ذیل مقام ۵ و ۶ فروعاتی بود و این ۲۰ و چند فرع ذیل مقامات رابعه اولی است که باید تنظیم شود.

خطبه ۱۳۰ نهج‌البلاغه

یک جمله‌ای را از نهج‌البلاغه بخوانیم خطبه ۱۳۰ نهج‌البلاغه هست که شاید اینجا یا جای دیگر خواندیم ولی جمله‌ای است که تکرار آن هم مفید است این همان فرمایشی است که حضرت امیر (سلام‌الله‌علیه) وقت تبعید اباذر به ربذه فرمودند و از جمله‌هایی است که همیشه هم در ذهن انسان باشد به‌جا است در شرایطی است که بسیار دشوار است



و حق در نهایت غربت و مظلومیت است؛ شرایطی که اباذر به خاطر اعتراضی که کرده تبعید می‌شود و کسی جرأت مشایعت او را ندارد که امیرالمؤمنین، امام حسن، امام حسین، (صلوات الله علیهم اجمعین) و جمع محدودی آمدند به مشایعت که با مروان هم گفت‌وگو شد و حضرت با عتاب و خطاب او را کنار زدند و به مشایعت با اباذر رفتند. صحابی بزرگی مثل ابوذر و در حال غریبانه‌ای که از مدینه بیرون می‌رود و امیرالمؤمنین بدرقه او آمدند در شرایطی که از سر و رو افسردگی و پژمردگی و ناراحت و غم می‌بارد امیرالمؤمنین با کلمات بسیار نورانی و فوق‌العاده معنوی و اخلاقی به این صحابی بزرگ آرامش و اطمینان می‌دهد تعبیر حضرت این است: «يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّكَ غَضِبْتَ لِلَّهِ فَارْجُ مَنْ غَضِبْتَ لَهُ» تو برای خدا خشم کردی، اگر برای خدا خشم کردی باید به همان خدایی که برای او خشم کردی، امیدوار باشی. این شرایط سختی که برای تو و پیروان اهل بیت (علیهم‌السلام) پیدا شده است نباید ما را اندوهگین و متأثر و منفعل کند «إِنَّ الْقَوْمَ خَافُوكَ عَلَى دُنْيَاهُمْ وَ خَفْتَهُمْ عَلَى دِينِكَ» تو برای خدا خشم و غضب کردی، امید تو به همان خدایی باشد که برای آن غضب کردی، بعد می‌فرمایند: «إِنَّ الْقَوْمَ خَافُوكَ عَلَى دُنْيَاهُمْ وَ خَفْتَهُمْ عَلَى دِينِكَ» هر دو می‌ترسیدید اما این دو ترس باهم خیلی فاصله دارد. ترس یک پدیده روان‌شناختی است که ممکن است بسیار مقدس یا مذموم باشد. آن‌ها برای خوف از دنیای خود ترسیدند و اقدام کردند و تو برای حمایت از دین بر خواستی و فریاد زدی؛ بین این دو خوف و دو عمل خیلی فرق است «إِنَّ الْقَوْمَ خَافُوكَ عَلَى دُنْيَاهُمْ وَ خَفْتَهُمْ عَلَى دِينِكَ» در نتیجه: «فَاتَرُكُ فِي أَيْدِيهِمْ مَا خَافُوكَ عَلَيْهِ» آنچه برای آن‌ها اصل بود با آنچه تو دنبال آن بودی خیلی فاصله دارد، اصلاً نگران نباش، به آن کسی امید ببند که برای آن غضب کردی. امر دوم این است که «فَاتَرُكُ فِي أَيْدِيهِمْ» آنچه به خاطر آن از تو ترسیدند یعنی دنیا، آن را برای آن‌ها بگذار، «فَاتَرُكُ فِي أَيْدِيهِمْ مَا خَافُوكَ عَلَيْهِ وَ أَهْرَبُ مِنْهُمْ بِمَا خَفْتَهُمْ عَلَيْهِ» تو هم دینت را بردار و بگریز و حفظ کن چیزی تو از دست ندادی. دنیای ناقابل‌ی که آن‌ها برای آن سر و سینه می‌زدند به آن‌ها واگذار کن و دین ارزشمند خود را بردار و از این دنیاپرستان بگریز. «فَمَا أُحْوجُهُمْ إِلَى مَا مَنَعْتَهُمْ وَ مَا أَغْنَاكَ عَمَّا مَنَعُوكَ» اگر خوب نگاه کنی، معلوم می‌شود که چقدر آن‌ها نیازمند به آخرت و دین تو هستند که از آن محروم هستند و چقدر تو بی‌نیاز از دنیایی هستی که آن‌ها از آن بهره‌مند هستند. آنچه تو از دست دادی آن‌ها خیلی نیاز دارند و این‌که تو از دست دادی، از آن بی‌نیاز هستی. خیلی بین تو و آن‌ها فرق است بین حق و باطل و جبهه حق و باطل این اندازه فاصله هست؛ «فَمَا أُحْوجُهُمْ إِلَى مَا مَنَعْتَهُمْ وَ مَا أَغْنَاكَ عَمَّا مَنَعُوكَ» «وَ سَتَعْلَمُ مِنَ الرَّابِحِ غَدًا وَ الْأَكْثَرُ [حَسَدًا] حَسَدًا» به زودی خواهی فهمید که برنده این دعوا کیست و چه کسی بیشتر بر آن حسادت می‌ورزند. در قیامت که حقایق عالم روشن می‌شود و افقهای آخرت که ظهور و بروز پیدا کند، معلوم می‌شود که در آن جنگ و نزاع و دعوا چه کسی برد و چه کسی شکست خورد، چه کسی مورد حسد قرار می‌گیرد که دیگران به آن غبطه می‌خورند. دین که ارزش اصلی بود برای تو حفظ شد و سود نهایی هم برای تو است و بعد می‌فرمایند: «وَلَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ كَانَتَا عَلَى عَبْدٍ رَتَقًا ثُمَّ اتَّقَى اللَّهَ لَجَعَلَ



اللَّهُ لَهُ مِنْهُمَا مَخْرَجًا» - همان طور که در آیات قرآن آمده - اگر درهای زمین و آسمان بر کسی بسته شود ولی او اهل تقوی باشد خداوند گشایشی در کار او ایجاد خواهد کرد؛ اگر همه افق‌ها بر شخصی تیره شود و راه خلاصی برای او نباشد، ولی دارای تقوی باشد خدا درهای رحمت را به روی او باز می‌کند و گشایشی برای او ایجاد می‌کند؛ تو از آن تقوایی برخوردار هستی که در ریزه هم به آسمان‌ها متصف هستی، در یک گوشه‌ای قرار بگیری و در نهایت سختی هم باشی، آزاد و راحت هستی. امام سجاد (ع) فرمودند: اگر همه عالم با من قطع رابطه کنند مگر قرآن، وحشت نمی‌کنم «لَا يُؤْنِسُكَ إِلَّا الْحَقُّ وَلَا يُوحِشُكَ إِلَّا الْبَاطِلُ» نهج البلاغة (للصبحی صالح)، ص: ۱۸۸ انس نورز مگر با حق و وحشت نکن مگر از باطل، این نیاز به جهان‌بینی و عمق بینش و ایمان شخص دارد که به این قله برسد. این کلمات که بسیار بلند هستند و اوج ایمان و تقوی را نشان می‌دهند، امیرالمؤمنین به ابوذری می‌گوید که آن سوابق را دارد و در نهایت مظلومیت و غربت قرار گرفته است. اول فرمود امیدوار باش امید و اطمینان خود را هیچ‌وقت از دست نده و بعد فرمودند به دنیا نگاه نکن و برای آن‌ها بگذار؛ آخرت را حفظ کن و نهایتاً فرمودند: انس تو با حق باشد و وحشت تو از باطل؛ و صلی‌الله علی محمد و آله الاطهار.